

# شاخصه مطلوب و اقتصاد مقاومتی

## دخالت دولت در خانواده

سکینه گنج خانلو\*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۱۹

### چکیده

پیرامون اندازه و شاخصه مطلوب، اقتصاد مقاومتی دخالت دولت در خانواده، بین مکاتب مختلف اتفاق نظر وجود ندارد. دولت‌ها را از نظر دخالت فرهنگ و اقتصاد مقاومتی، می‌توان در طیف گسترده‌ای دانست که از دولت کلاسیک آغاز و به دولت برنامه‌ریز متمرکز ختم می‌شود. نوع بینش شاخصه مطلوب و اقتصاد مقاومتی دخالت دولت در خانواده، در سال‌های گذشته، بارها دستخوش تغییر و تحول قرار گرفته است. تغییر نگرش‌ها موجب تغییر وظایف محول شده به دولت می‌شود. در زمینه این بینش‌ها، عواملی وجود دارد که می‌تواند تغییر اندازه و رشد دولت را در طی زمان و در میان کشورهای مختلف توضیح دهد. این مقاله، با هدف تعیین شاخصه مطلوب و اقتصاد مقاومتی دخالت دولت در خانواده و با روش توصیفی تحلیلی و رویکرد نظری و روش اجتهادی-استنباطی تدوین یافته است. ابتدا، به تعریف دولت و خانواده پرداخته، به تعامل اقتصاد مقاومتی و فرهنگ دولت و خانواده، سپس شاخصه مطلوب و اقتصاد مقاومتی دخالت دولت در خانواده مورد بررسی قرار گرفته است..

\* دانش‌آموخته سطح سه حوزه، موسسه آموزش عالی زینبیه، تهران s.farhadi\_ch@yahoo.com

کلیدواژه‌ها: دولت، خانواده، شاخصه مطلوب و اقتصاد مقاومتی،  
اقتصاد، فرهنگ



## مقدمه

در جوامع امروزی، زندگی خانوادگی در فضایی نه چندان خصوصی به وجود می‌آید. بسیاری از مسائل و مشکلات خانوادگی، در رسانه‌های ارتباط جمعی مطرح می‌شوند و در مورد عملکردهای گوناگون خانواده، مباحثی جدی صورت می‌گیرد (چیل، ۱۳۸۸، ص ۲۷۲). به همین جهت، دولت‌ها در کنار مردم تلاش می‌کنند به وضعیت خانواده سامان دهند. برای هرگونه قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و فرهنگ‌سازی، شناخت خانواده ضروری است، اما لازم است در کنار خانواده‌شناسی معطوف به منابع علمی موجود، از نظر مردم‌شناسی نیز خانواده‌بازشناسی شود؛ چراکه خانواده در عین حال که فعال و دارای استراتژی‌های درونی است (سگالن، ۱۳۷۰، ص ۳۲۴)، در هر سنت و جامعه‌ای، به مثابه یک نماد، قوانین و آداب نوشته و نانوشته آن سنت و جامعه را منعکس می‌سازد. از این منظر، کارآمدی مطالعات خانواده در مجامع علمی کشور، مرهون کاوش پیرامون خانواده ایرانی و سپس، بررسی‌های تطبیقی است. شناخت خانواده ایرانی، مبتنی بر شناخت فرهنگ و اقتصاد مقاومتی خاص مردم ایرانی است؛ فرهنگ و اقتصاد مقاومتی، حاوی نکات ایجابی و سلبی به طور هم‌زمان است. درک این نکات، نیازمند مطالعات فرهنگ و اقتصاد مقاومتی گسترده است؛ چرا که علاوه بر وجود ویژگی‌های فرامحلی، خانواده در میان قومیت‌های مختلف ایرانی هم دارای ظرفیت‌ها و کاستی‌های خاص است. مطالعات فرهنگ و اقتصاد مقاومتی درباره نسبت میان خرده فرهنگ‌ها و خانواده، نگاه ما را به خانواده ایرانی تعمیق و تعریض کرده، به برجسته‌سازی



نقطه‌های بیم و امید منجر می‌گردد (علاسوند، ۱۳۹۱، ص ۱۱-۴۹). هدف و مسئله و دغدغه این تحقیق، بررسی شاخصه مطلوب و اقتصاد مقاومتی دخالت دولت در خانواده است.

## ۲. پیشینه تحقیق

در این زمینه، کتاب‌ها و مقالاتی نگاشته شده که به معرفی و بررسی از آنها پرداخته می‌شود:

فریدریش انگلس (۱۳۸۰)، در کتاب «منشأ خانواده، مالکیت خصوصی و دولت»، با ترجمه خسرو پارسا، به بررسی ماتریالیسم تاریخی و نقش آن در شکل‌گیری و تحولات خانواده و پدید آمدن دولت می‌پردازد.

خندان و امیری طیبی (۱۳۸۸)، در مقاله «درآمدی بر نقش فرهنگ و اقتصاد مقاومتی و اقتصاد مقاومتی دولت دینی»، با رویکرد نظری و تحلیلی و با هدف بیان نقش فرهنگ و اقتصاد مقاومتی دولت دینی، با اشاره به دودیدگاه مارکسیسم و لیبرالیسم در باب دخالت فرهنگ و اقتصاد مقاومتی دولت و همچنین نگاه مخالفان دخالت دولت دینی در عرصه فرهنگ و اقتصاد مقاومتی و نقد آن، به تقریر دیدگاه اسلام درباره نقش دولت دینی در فرهنگ و اقتصاد مقاومتی پرداخته‌اند.

موسویان (۱۳۸۲)، در مقاله «جایگاه دولت در اقتصاد از دیدگاه اسلام»، که با استفاده از متون دینی (قرآن و احادیث) و اندیشه دانشمندان مسلمان تهیه شده، نخست مبانی نظری دخالت دولت را بررسی کرده، نشان می‌دهد که اجرای آموزه‌های اسلام، بدون حضور دولت هدف‌گرا و ارزش‌گرا ممکن نیست. سپس،



به بررسی اهداف دولت در اقتصاد اسلامی پرداخته، هدف‌های توسعه رفاه، توسعه معنویات، برپایی عدالت و قدرت اقتصادی جامعه اسلامی را غایات دولت برمی‌شمارد. در ادامه، وظایف دولت در تحقق این اهداف را تبیین می‌کند که مهم‌ترین آنها، برنامه‌ریزی برای اشتغال، تأمین اجتماعی، توازن اقتصادی، تثبیت ارزش واقعی پول و تصدّی فعالیت‌های خاص اقتصادی است. وی، در بخش پایانی مقاله، منابع مالی و اختیارات قانونی دولت در عرصه اقتصاد را توضیح می‌دهد.

دانایی فرد و جوان علی‌آذر (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی تطبیقی خرد مایه اقتصاد مقاومتی در وجود دولت از نگاه نظریه‌های غربی و منابع اسلامی»، تلاش دارند که خرد مایه وجود دولت از نگاه منابع اسلامی را تبیین و تفاوت‌های آن را با خرد مایه‌های بیان شده از سوی اندیشمندان غربی برجسته کنند؛ تفاوتی که به گونه‌ای اجمالی می‌توان آن را پیگیری مصالح عامه به جای منافع عامه نامید.

علاسوند (۱۳۹۱)، در مقاله «تعامل خانواده و دولت»، که در کتاب اندیشه‌های راهبردی، زن و خانواده به چاپ رسیده، معتقد است که در الگوی ارتباطی خانواده با حکومت در مدل پیشنهادی این نوشتار، از ظرفیت‌ها و عاملیت خانواده در ایجاد سرمایه اجتماعی، هنجارسازی در فضای عمومی، افزایش مشارکت‌های سیاسی اجتماعی و اصلاح سوگیری‌های حکومتی در ابعاد مختلف استفاده می‌شود. همچنان که حکومت نیز با دوشیوه مستقیم و غیرمستقیم، می‌تواند با اقتداربخشی به خانواده، حمایت از والدگری و همسری، بازتعریف شاخص‌های رشد درباره خانواده، تقویت ویژگی‌های مثبت قومی در پاسداشت حریم خانواده، اتخاذ نگاه غیرانضمامی به خانواده، لزوم هم‌گرایی



نهادی در قبال خانواده، اتخاذ راه‌حل‌های دستگامی و فرایندی و شناسایی مسئولیت نهاد‌های هنجارساز در بدنه خود، به کارآمدی خانواده و حل مسائل آن کمک برساند.

با توجه به آنچه در این زمینه گذشت، نوآوری این مقاله در این است که با نگاهی نو، بکرو جدید به شاخصه مطلوب و اقتصاد مقاومتی دخالت دولت در خانواده از منظر اقتصاد و فرهنگ پرداخته است. اما در آثار موجود، فقط به جنبه اقتصادی و یا فقط به جنبه فرهنگ و اقتصاد مقاومتی و... دخالت دولت در خانواده پرداخته شده است.

### مفهوم‌شناسی پژوهش

#### ۱. مفهوم دولت

دولت با واژه (state)، از ریشه لاتینی (state) به معنای وضع مستقر و پابرجا گرفته شده است. بر همین اساس، گفته می‌شود پادشاه ضامن ثبات، امنیت، نظم و به صورت ضمنی، تأمین‌کننده رفاه جامعه است (وینست، ۱۳۸۲، ص ۳۶۱).

در جهان غرب، واژه (state) دارای دو معنا و کاربرد کلی است:

۱. تا پیش از سده شانزدهم میلادی، واژه (state) در خصوص وضع کشور یا حاکمی خاص و همچنین، به وضعیت و موقعیت خاص، خواه پاپ یا امپراتوری، کاربرد داشت و به مفهوم مقام و جایگاه یا لوازم استقرار و ثبات وضعیت دلالت داشت؛ یعنی state در ریشه یونانی برابر با مقام و جایگاه حاکمی بود که وضعیت



موقعیت برتر و ثابت و بادوامی داشت (رحمتی، ۱۳۸۸، ص ۲۰). این برداشت از مفهوم دولت را که در آن بین حاکمان سیاسی و جامعه، مرزبندی مشخصی وجود نداشت و به طور کلی، پدیده مستقلی به نام دولت قابل تشخیص نبود، «دولت قدیم» می نامند. در دولت قدیم، (دولت شهر و امپراتوری های عصر فئودالی)، حکمرانان انگیزه و توانایی کمی برای دخالت در امور گوناگون جامعه داشتند. در واقع، دولت تا سده شانزدهم رواج سیاسی نیافته بود (رکابیان و لک زایی، ۱۳۹۵، ص ۱۲۳).

۲. از سده شانزدهم تا کنون، مفهوم پیشین دولت دچار تحولی اساسی گردید. از این تاریخ به بعد، مفهوم «دولت»، با مفهوم «جامعه سیاسی»، برابر دانسته شد؛ یعنی آن شأن، مقام، جایگاه و آن دوام، ثبات، ایستادگی و آن نظم و رفاه، که در مفاهیم دولت به معنای قدیم آن، به شخص حاکم و موقعیت برتر آن بستگی تام داشت، از این پس به جامعه در شکل کلی آن اطلاق گردید. در این مرحله دولت، مفهوم انتزاعی و مستقل از جامعه داشت که متشکل از چهار عنصر سرزمین، جمعیت، حکومت و حاکمیت بود. وجود دولت از آن جهت مستقل در نظر گرفته می شود که با تغییر حکام و صاحبان قدرت، شخصیت دولت همواره ثابت و پایدار بوده است (عالم، ۱۳۸۰، ص ۱۳۴).

تعاریف گوناگون و متنوعی از مفهوم دولت ارائه شده است. این تعاریف را می توان به سه دسته کلی تقسیم کرد: تعاریف حقوقی، فلسفی و سیاسی.

۱. در تعریف حقوقی، دولت واحدی است با ویژگی های چهارگانه جمعیت؛ حکومت؛ سرزمین و حاکمیت.

۲. از نظر فلسفی نیز سه دیدگاه درباره دولت وجود دارد: الف: طبیعی بودن



دولت: طبق نظریات افرادی چون ارسطو؛ ب: قراردادی بودن دولت: طبق نظر متفکرانی چون هابز، لاک و روسو؛ ت: طبقاتی بودن دولت: طبق نظرکسانی چون کارل مارکس و فردریش انگلس (همان، ص ۱۳۶).

۳. تعریف سیاسی: دولت برپایه کمال مطلوب فیلسوفان قرار ندارد، بلکه بر واقعیت‌هایی استوار است که درگذشته، اکنون و آینده وجود دارند. در این تعریف، گفته می‌شود که جامعه، از صورت‌بندی‌های بسیار ساده آن، تا گونه‌های بسیار پیچیده‌اش، برپایه تغییرات نظام تولید رشد یافته است (همان، ص ۱۳۸). اما به گونه‌ای دیگر، می‌توان دوگونه تعریف از دولت ارائه داد: دولت خاص و دولت عام. دولت در زبان عامه مردم، به معنای «هیئت دولت»، یا «تشکیلات و اداره‌های دولتی» یا «کابینه» است. اما مفهوم دولت در علم سیاست و روابط بین‌الملل، دارای معنایی فراتر از آنچه گذشت است. دولت، بزرگ‌ترین سازمان‌بندی گروه انسانی است؛ قدرت سیاسی در آن به جریان می‌افتد و عالی‌ترین تجلی قدرت نیز نام گرفته است (جمالی، ۱۳۸۰، ص ۲۳۶). تعریف مدنظر در این مقاله، تمام ابعاد سیاسی، فلسفی و حقوقی را در برمی‌گیرد (رکابیان و لک زایی، ۱۳۹۵، ص ۱۲۴ و ۱۲۳).

## ۲. خانواده

خانواده، متشکل از افرادی است که از طریق پیوند زناشویی، هم‌خونی یا پذیرش فرزند با یکدیگر به عنوان زن، مادر، پدر و شوهر، برادر، خواهر، فرزند در ارتباط متقابل هستند، فرهنگ مشترک پدید می‌آورند و در واحد خاص زندگی می‌کنند (قنادان، ۱۳۷۵، ص ۱۴۸).





خانواده یکی از نظام‌های اولیه جوامع بشری است که با وجود تحولات اساسی، در اهداف کارکردهای خود ثابت مانده و هنوز در همه جوامع، اهمیت اساسی دارد. خانواده، مناسب‌ترین نظام برای تأمین نیازهای مادی و روانی بشر بوده و بهترین بستر را برای تأمین امنیت و آرامش روانی اعضای پرورش نسل جدید و اجتماعی کردن فرزندان و برآورده ساختن نیازهای عاطفی افراد فراهم نموده است (سالاری فر، ۱۳۹۰، ص ۱).

امروزه واژه خانواده چندین معنا دارد:

نخستین معنا، که خود به خود، به ذهن راه می‌یابد، همان خانواده هسته‌ای است؛ واحدی متشکل از پدر، مادر و فرزندان که پیوندهای عاطفی شدیدی با یکدیگر دارند؛

معنای دوم: واژه خانواده بیانگر گروهی از خویشان کما بیش نزدیک است که با هم زندگی نمی‌کنند و ممکن است در مکانی واحد به سر ببرند، اما دارای پیوندهای کمابیش نیرومند قرابت نسبی یا سببی هستند.

در مکتب اسلام نیز خانواده، به عنوان کهن‌ترین اجتماع انسان شمرده می‌شود؛ زیرا از آغاز آفرینش انسان به صورت زوجی از زن و مرد در قالب خانواده، قدم به گیتی نهاده است. خانواده در دیدگاه اسلام، واحد بنیادین و مهمی محسوب می‌شود که زن و مرد و فرزندان را در گروهی هم‌بسته و مأمونی مقدس جمع می‌کند و ارزش‌هایی چون صمیمیت و همدلی را بر آنان حاکم می‌گرداند (کدخدایی، ۱۳۹۵، ص ۸ و ۹).

تأسیس خانواده و احکام آن در اسلام، بر اساس فطرت الهی گرایش زن و مرد به یکدیگر بنا گردیده است. از این رو، رویگردانی از این فطرت و سنت اجتماعی و



بی‌توجهی به احکام و آداب شرعی آن، موجب زوال پیوند اجتماعی و سقوط جامعه می‌شود (هبه رئوف، ۱۳۷۷، ص ۱۶۵).

### شاخصه مطلوب دخالت فرهنگی و اقتصاد مقاومتی، تربیتی و مذهبی دولت در خانواده

در این زمینه، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد: عده‌ای موافق دخالت فرهنگ و اقتصاد مقاومتی، تربیتی و مذهبی دولت در خانواده و برخی مخالف این دخالت، و برخی نیز خانواده‌محور و پاره‌ای، اعتقاد به اشتراک نقش دولت و خانواده در فرهنگ و تربیت و مذهب هستند. در اینجا، به بیان هر یک می‌پردازیم.

۱. موافقان جایگاه مهم و موثر دولت بر فرهنگ و تربیت و مذهب جامعه و خانواده از موافقان جایگاه مهم و اثرگذار دولت بر فرهنگ و اقتصاد مقاومتی جامعه و خانواده، مکتب مارکسیسم است که با نگاه والا در باب دخالت فرهنگ و اقتصاد مقاومتی، دولت بحثی را مطرح می‌کند (خندان و امیری طیبی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۱ و ۱۳۲). می‌گوید:

نظرات طبقه حاکم در همه اعصار، آراء حاکم هستند یعنی این گروه اجتماعی که وسیله و محصول مادی را در دست دارد، در عین حال به ابزار فرآورده اندیشه هم تسلط دارد و در نتیجه، نظرات کسانی که ابزار فرآورده اندیشه را ندارند، به طور کلی پیرو آنها هستند. اشخاصی که در ردیف حاکمان هستند، به عنوان اندیشه‌وران یا خالقان عقاید، بر جامعه حاکم هستند و برای ایجاد و پخش نظرات عصر خود

بازرسی و نظارت دارند (دومینیک استریناتی، بی تا، ص ۱۸۲).  
از دیگر موافقان دخالت و احاطه و تسلط دولت بر فرهنگ و اقتصاد مقاومتی،  
تربیت و مذهب افلاطون و ارسطو می باشند که می گویند وظیفه تربیت و فرهنگ و  
اقتصاد مقاومتی، بر عهده دولت است (ارسطو، ۱۳۶۴، ص ۳۲۹).

## ۲. مخالفان دخالت دولت در فرهنگ و اقتصاد مقاومتی و تربیت، مذهب جامعه و خانواده

از مخالفان سرسخت نظریه دخالت دولت در فرهنگ و اقتصاد مقاومتی،  
مذهب جامعه و خانواده، مکتب لیبرالیسم است که طرفدارانش می گویند:  
جوهر لیبرالیسم، بی طرفی عمومی نسبت به طیف گسترده ای از مسائل  
اخلاقی و دینی است. دفاع از نظریه بی طرفانه، نه فقط بیان اعتقادات مذهبی،  
بلکه بیان مذهب و لامذهبی بود. نمونه روشن این دیدگاه را می توان در آثار جان  
لاک و مثلاً در نامه ای با عنوان «درباره مدارا» یافت. لاک معتقد است: حتی اگر  
مداوله در اعمال دینی شهروندان برای مسئولان عملی و درخور باشد، انجام آن  
خردمندانه نیست... هر چند از باب نظری مکتب لیبرالیسم چنین عقیده ای  
دارد، اما لیبرالیسم در عمل، عملکرد کشورهای طرفدار این نظریه و مکتب  
حکایت از چیز دیگری دارد. اگر چه دیدگاه دخالت مخفی در فرهنگ و اقتصاد  
مقاومتی در پیشگامان و تئوری پردازان لیبرالیسم هم سابقه داشته است که  
نظارت و بلکه حاکمیت مستقیم دولت را بر فرهنگ و اقتصاد مقاومتی ضروری  
می شمارند و چنین حقی؛ یعنی حق ممیزی و واری و نیز سیاست گذاری فرهنگ  
و اقتصاد مقاومتی را در ردیف حق وضع قانون و حق رسیدگی به دعاوی و قضاوت





و... از حقوق دولت به شمار می‌آورند (خندان و امیری طیبی، ۱۳۸۸، ۱۳۳ و ۱۳۲).

### ۳. خانواده محور بودن فرهنگ و اقتصاد مقاومتی و تربیت و مذهب

برخی برای این عقیده‌اند: خانواده خاستگاه و مرکز شکل‌گیری عمیق ارزش‌های پایه‌ای برای هر فرد است، چنان‌که قانون‌گذار نیز در موارد مختلف قانون مدنی، به این کارکرد فرهنگ و اقتصاد مقاومتی و تربیتی و مذهبی اشاره می‌کند. از این رو، مبانی جامعه مردم‌سالار، به خصوص در جوامع رو به پیشرفت از خانواده آغاز می‌شود و بر عهده خانواده است (جلالی و مهدوی زاهد، ۱۳۹۶، ص ۸۶ و ۸۷).

### ۴. اشتراک نقش خانواده و دولت در فرهنگ و اقتصاد مقاومتی و تربیت و مذهب

برخی بر اشتراک نقش خانواده و دولت در فرهنگ و اقتصاد مقاومتی، تربیت و مذهب اعتقاد دارند و چند دلیل بر آن اقامه می‌کنند:

الف. دولت در پی تنظیم روابط اجتماعی است. این تنظیم مستلزم شناخت آن روابط است. رابطه‌هایی که از جامعه و اجتماع نشأت گرفته است. بنابراین، قواعد و تنظیمات دولت نمایش درک صحیح دولت از نهادهای اصلی اجتماعی به طور کلی و نهاد خانواده به طور خاص است.

ب. هنجارهای حقوقی هنگامی پاسخگوست که شهروندان به مقبولیت آن باور داشته باشند. از این رو، نظام حقوقی و پیاده‌سازی قهری قوانین حقوقی، مبتنی بر شناخت و ابتنای نظام حقوقی بر اساس خانواده و جامعه است که ناشی از تحولات نهاد خانواده به طور خاص و موجب پیوند میان دولت و حقوق و جامعه و



خانواده می‌شود.

د. نظام حقوقی از یک سو، ریشه در سابقه تاریخی بلندمدت یک ملت و از سوی دیگر، شمول خانوادگی و اجتماعی دارد که این امر، مستلزم تعامل دولت و خانواده است.

ه. دولت برای خانواده حقوق روابط اجتماعی فراهم ساخته است که گاهی با اهداف خانواده سازگار و گاه ناسازگار است.

و. کارکرد حمایتی خانواده در ایران منجر به انتقال برخی حمایت‌های فرهنگ و اقتصاد مقاومتی و تربیتی و مذهبی از خانواده، به دولت شده است.

ز. اگر ارزش‌ها و نگرش‌های ساخته شده در خانواده را شیرازه پیکره هر جامعه قلمداد کنیم، می‌توان گفت: خانواده و دولت در زمینه فرهنگ و اقتصاد مقاومتی و تربیت و مذهب با هم همکاری و تعامل دارند (جلالی و مهدوی زاهد، ۱۳۹۶، صص ۸۷-۸۹).

**۵. نظر اسلام پیرامون تعامل خانواده و دولت در زمینه فرهنگ و اقتصاد مقاومتی و تربیت و مذهب**

اساساً مخالفت یا موافقت با دخالت دولت در عرصه فرهنگ و اقتصاد مقاومتی و تربیت و مذهب، به پذیرش و عدم پذیرش دین و تعالیم دینی برمی‌گردد. به نظر می‌رسد، پذیرش واقعی دین، لازمه و علامت روشنی دارد که عبارت است از: مراجعه به متون مقدس دینی، به عنوان یک منبع دینی و معرفتی. به بیان دیگر، ایمان و باور به یک دین، باید به پذیرش روشمند سلسله‌گزاره‌ها و تعالیم آن دین منجر شود. این موضوع چیزی است که متأسفانه در میان بسیاری



از روشنفکران اسلامی مشاهده نمی‌شود؛ یعنی چه بسیار افرادی که مدعی مسلمانی و روشنفکری هستند، اما در موضع‌گیری‌های خود، کمتر به بهره‌گیری از تعالیم اسلامی می‌پردازند. از این رو، برای اظهار نظر در باب نقش دولت در عرصه فرهنگ و اقتصاد مقاومتی و تربیت و مذهب، مراجعه و تحلیل کوتاهی از برخی تعالیم اصلی اسلامی ضروری است (خندان و امیری طیبی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۷ و ۱۳۸).

در اینجا برخی اشارات اسلام در این زمینه می‌پردازیم.

#### ۱. قرآن

در قرآن مجید آمده است: «الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج: ۴۱)؛ کسانی که چون آنان را در زمین قدرت و توانایی دهیم، نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده و امی دارند و از کردارهای ناپسند بازمی‌دارند و فرجام همه کارها از آن خداست.

در تفسیر این آیه شریفه قرآن، علامه طباطبایی می‌فرماید:

این آیه توصیفی است از مؤمنین که در اول آیات نامشان را برد البته این توصیف مجموع است از جهت مجموعیت و به عبارت ساده‌تر: توصیف نوع مؤمنین است و کار به فرد فرد آنان ندارد؛ چون ممکن است فردی از آنان واجد این اوصاف نباشد. مراد از «تمکین آنان در زمین»، این است که ایشان را در زمین نیرومند کند، به طوری که هرکاری را که بخواهند بتوانند انجام دهند و هیچ مانعی یا مزاحمی نتواند سد راه آنان شود.... یکی از صفات ایشان این است که اگر در



زمین تمکنی پیدا کنند و در اختیار هر قسم زندگی که بخواهند حریتی داده شوند، در میان همه انواع و انحاء زندگی يك زندگی صالح را اختیار می‌کنند و جامعه‌ای صالح به وجود می‌آورند که در آن جامعه نماز به پا داشته و زکات داده می‌شود، امر به معروف و نهی از منکر انجام می‌گیرد. و اگر از میان همه جهات عبادی، نماز و از میان همه جهات مالی، زکات را نام برد، بدین جهت است که این دو در باب خود (عبادات) عمده هستند. و وقتی صفت مؤمنین مذکور در صدر آیات این باشد و مراد از این صفت نیز آن باشد که در صورت داشتن قدرت و اختیار، اجتماعی صالح به وجود می‌آورند و از سوی دیگر، حکم جهاد هم مخصوص به يك طایفه معینی نباشد، نتیجه می‌گیریم که پس مراد از «مؤمنین» عموم مؤمنین آن روز، بلکه عامه مسلمین تا روز قیامت است و این خصیصه و طبع هر مسلمانی است، هر چند که قرن‌ها بعد به وجود آید. پس طبع مسلمان از آن جهت که مسلمان است صلاح و سداد است، هر چند که احیاناً برخلاف طبعش کاری برخلاف صلاح انجام دهد.

علاوه بر اینکه، جامعه صالحی که برای اولین بار در مدینه تشکیل شده و سپس تمامی شبه جزیره عربستان را گرفت، عالی‌ترین جامعه‌ای بود که در تاریخ اسلام تشکیل یافت، جامعه‌ای بود که در عهد رسول خدا ﷺ در آن جامعه نماز به پا می‌شد، زکات داده می‌شد، امر به معروف و نهی از منکر می‌شد و این جامعه به طور قطع سمبل و مصداق بارز این آیه است و حال آنکه می‌دانیم که در تشکیل چنین جامعه‌ای انصار عامل مهم بودند، نه مهاجرین (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۳، ج ۱۴، ص ۵۴۷).

## ۲. روایات

تمیم داری می‌گوید:

خدمت رسول خدا ﷺ بودیم. حضرت فرمود: «الدِّينُ النَّصِيحَةُ» دین، نصیحت و خیرخواهی است. تعجب کردیم و عرض کردیم: نصیحت و خیرخواهی برای چه کسی؟ فرمودند: «لِلَّهِ، وَلِكِتَابِهِ وَرَسُولِهِ وَلِأُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَ عَاقِبَتِهِمْ» (مسلم، بی‌تا، ص ۷۴)؛ برای خدا، برای کتاب او، برای پیامبر او، برای پیشوایان مسلمانان و برای توده آنها (ر.ک: خندان و امیری طیبی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۹ و ۱۴۰).

نصیحت به معنای خیرخواهی است و نه پند و اندرز و موعظه: «النَّصِيحُ تَحَرُّيٌّ فِعْلٌ أَوْ قَوْلٌ فِيهِ صَالِحٌ صَاحِبِهِ» (راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۴۹۴)؛ نصیح و نصیحت عبارت است از: انتخاب کردار یا گفتاری که به صلاح شخص مورد نظر باشد. علی‌رغم وجود معنای اصلی واجد برای نصیح و نصیحت، مصداق این معنا در موارد مذکور در حدیث فوق متفاوت خواهد شد. برای مثال، نصیحت نسبت به خداوند با نصیحت نسبت به پیامبر و ائمه مسلمانان متفاوت خواهد بود. خیرخواهی نسبت به خداوند، می‌تواند به معنای نصرت الهی باشد. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد: ۷).

مرحوم محدث قمی می‌نویسد:

نصیحت در مورد کتاب خدا تصدیق کردن و عمل به آن است و نصیحت رسول خدا ﷺ و ائمه علیهم‌السلام، به معنای تصدیق آنها و پیروی از اوامر و اجتناب از نواهی آن حضرات است و نصیحت مردم، به معنای ارشاد کردن آنان به مصالح و مفاسد دنیوی و اخروی شان است (قمی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۹۵).





**نمونه ارتباط فرهنگ و اقتصاد مقاومتی و تربیتی و مذهبی دولت با خانواده**  
 در اینجا به برخی تعاملات فرهنگ و اقتصاد مقاومتی و تربیتی و مذهبی دولت با خانواده اشاره می‌کنیم:

#### ۱. خانواده، سرمایه توان جامعه

سیاست پویا که در پی ایجاد عدالت، تدبیر، عزت، اقتدار باشد، به وجود سیاستمداران متعهد و مردمی دارای نگرش عمیق و منش وارسته‌ای وابسته است که همگی وجه ارزشی خود را حفظ کنند. سودمندی در عرصه سیاسی برپاره‌ای صفات مانند عزم و اراده‌ی قوی، مدیریت، شجاعت، سعه صدر، حق‌پذیری، انتقادپذیری، هم‌گرایی و همیاری، عدالت‌خواهی، صداقت، پرهیز از نفاق، مدیریت بحران، تمکین در برابر قانون، پذیرش سلسله مراتب سیاسی و اجتماعی، صبر، مدارا و گذشت مبتنی است؛ تمامی این صفات در خانواده شکل می‌گیرند. این خصلت‌ها، علاوه بر اینکه هر عضو را برای مشارکت‌های سیاسی آماده می‌کند، ولایت‌پذیری اجتماعی و سیاسی را بازتولید کرده، به تدریج از رفتار سیاسی آسیب‌زدایی می‌کند (علاسوند، ۱۳۹۱، ص ۱۱۵۳).

#### ۲. بازسازی مدل شیوه زندگی

ویژگی‌هایی وجود دارند که غلبه آنها، بر طریقت خانوادگی، تعامل خانواده با دولت را به کلی تغییر می‌دهد. خانواده‌ای که رفاه‌زده، سرگرمی محور و لذت‌گرا بوده و فردگرایی را در اعضای خود درونی کند، فقط حساسیت‌های اقتصادی و رفاهی آنها را برمی‌انگیزاند و آنها را با مسئولیت‌محوری، جمع‌گرایی،



مصلحت‌گرایی و اخلاقی بودن نمی‌پروراند. در حالی که مفیدیت شهروندی و حیثیت اجتماعی - سیاسی مسلمانی، درگرواین صفات هستند. روشن است الگوهای جدید سبک زندگی، پیش‌فرض‌های مهم نوعی از شهروندی که مطلوب نظام دینی است را از میان می‌برد و از تعامل دولت و خانواده، می‌کاهد (همان، ۱۱۵۵ و ۱۱۵۶).

### ۳. اقتداردهی به خانواده

اگر دولت بخواهد از ظرفیت‌سازی خانواده برای منافع ملی استفاده کند، باید خانواده پیشاپیش، قدرتمند و تأثیرگذار باشد. روشن است که اقتداردهی به خانواده در قالب واگذاری مسئولیت‌های ذاتی خانواده به خودش و مطالبه مسئولیت‌ها و نتایج از آن تحقق می‌یابد. مهم‌ترین جنبه‌ها برای بازگشت اقتدار به خانواده، مرجعیت اخلاقی و آموزشی خانواده، برای اعضا، صاحب‌اختیاری آن و ضرورت پاسخگویی اعضا به کانون‌های اراده خانواده؛ یعنی والدین است. به همین دلیل، خانواده‌ها به آرامی با درصدی از بدی در فرزندانشان به راحتی کنار می‌آیند (همان، ۱۱۵۹).

### ۴. حمایت دولت از پدران

اگر پدران، مسئولیت تأمین اقتصادی خانواده و هدایت اخلاقی را بر عهده دارند، باید از امکانات و توان بالفعل ایفای نقش برخوردار باشند. نوسانات اقتصادی و وضعیت کاهنده در شغل‌های کم‌درآمد، ایفای این نقش را برای پدران توان فرسا می‌کند. حکومت می‌تواند ضمن ترویج مفاهیم ایجابی درباره پدران، از



فروپاشی تابوهای مربوط به طلاق، خیانت به همسر، خشونت در خانواده، ضعف مدیریت فرزندان هنجارشکن و سنت‌گریز ممانعت به عمل آورد (همان، ۱۱۶۰).

#### ۵. استحکام خاصیت‌های کارآمد قومی در پاسداری از حریم خانواده

هر قومیت نیز رفتارهای فرهنگ و اقتصاد مقاومتی خاص خود را دارد که به کمک آنها، در مقابل تغییرات ملی و جهانی حتی‌الامکان مقاومت می‌کند. مراسم آیینی در رخداد‌های خانوادگی و فامیلی، خصلت‌های جمع‌گرایانه مانند رسیدگی خاص به فامیل، سخاوتمندی، غیرتمندی نسبت به نوامیس خانوادگی یا فامیلی، اهمیت به کار و تلاش و قناعت، بخشی از این ویژگی‌ها است. بازنمایی این خصلت‌ها به رمزگشایی پایداری خانواده و پاسداری از حریم خانواده در این قومیت‌ها کمک می‌کند (همان، ۱۱۶۱).

#### ۶. حوزه ورود دولت در مسائل دنیوی و اقتصادی

اصل حاکم بر حوزه دخالت دولت اسلامی در امور دنیوی و یا به گونه‌ای مشخص اقتصاد، عدم جواز دخالت دولت در این حوزه است (امامی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۴ و ۱۷۵؛ رفیعی‌آتانی، ۱۳۸۶، ص ۳؛ دانایی‌فرد و جوان علی‌آذر، ۱۳۹۳، ص ۱۹).

برای تأیید این مدعا، دلایل گوناگونی نیز ارائه شده که برخی از آنها عبارت است از:

الف. اصل عدم ولایت اشخاص بر یکدیگر (رفیعی‌آتانی، ۱۳۸۶، ص ۴۲-۴۶)؛ طبق این اصل که تاحدودی مورد اتفاق تمامی فقهای شیعه است، هیچ

شخص، جمع یا نهادی بر هیچ شخص، جمع یا نهادی هیچ گونه حق سلطه و سیطره ندارد. در نتیجه، حق هیچ گونه امر، نهی و یا تحمیل الزامی را ندارد (همان، ص ۴۶).

ب. قاعده تسلط انسان‌ها بر اموال خود (امامی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۶)، این قاعده برگرفته از روایت «إِنَّ النَّاسَ مَسْلُطُونَ عَلَى أَمْوَالِهِمْ» از نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۷۲).

ج. روایات گوناگونی که از قیمت گذاری کالاها توسط شخصی غیر از صاحب کالا نهی می‌کنند که یکی از آنها عبارت است از: پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «المسعر هو الله»؛ قیمت گذار خداست (کبیر مدنی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۵۹۴).

معیار بنیادین دخالت دولت اسلامی در اقتصاد و بازار، مصلحت است (رضایی، ۱۳۸۳، ص ۵۷). در واقع همین مصلحت، اعم از مصلحت اسلام و نظام اسلامی و مصلحت مردم و خانواده است که وظایف دولت را در حوزه‌های گوناگونی نظیر نظارت، ارشاد و تصدی تعیین می‌کند (دانایی فرد و جوان علی آذر، ۱۳۹۳، ص ۶۳ و ۶۴).

#### ۷. نمونه تعامل اقتصادی دولت و خانواده

نمونه‌های تعامل اقتصادی دولت و خانواده، عبارتند از:

##### ۱. استحکام شاخص‌های اقتصادی رشد درباره خانواده

دولت، که هدف آن تأمین مصالح و منافع واقعی ملت و خانواده و اجرای حق



و عدالت است و این حق و عدالت در مواردی ممکن است غیر از خواست اکثریت مردم باشد، در چنین حکومتی شالوده نظام، حکومت و قانون حاکم بر جامعه از سوی خدا تعیین می‌شود؛ خدایی که عالم به تمام مصالح واقعی مردم در تمام ابعاد زندگی، به خصوص معنوی، مادی، تربیتی و اقتصادی است. بنابراین، در این حالت حکومت وظیفه دارد مصالح و نیازهای واقعی جامعه را تأمین، حفظ و مستحکم کند (همان، ص ۱۹) و دولت مطلوب از نگاه اسلام، دولتی است که برای سعادت دنیا و آخرت مردم تلاش کند (جهانیان، ۱۳۸۹، ص ۸۵).

## ۲. کمک به خانواده در نارسایی بازار

مطابق آموزه‌های اسلام، اگر چه مسئولیت اساسی فرد این است که به خود تکیه کند و با تمام توان بکوشد، اما واقعیت بازار نشان می‌دهد که فرد، حتی اگر بیش‌ترین سعی خود را به عمل آورد، در موارد زیادی نمی‌تواند به پاداش مطلوب و درخور شأن خود برسد. چنان‌که تجربه تاریخی نشان می‌دهد، آن‌گروه از عوامل تولید، که قدرت چانه‌زنی بالایی دارند، همیشه سهمی بیش از بازده خود دریافت کرده و در عمل، سهم عوامل دیگر را ربوده‌اند. بر این اساس، دولت اسلامی وظیفه دارد برای تنظیم روابط عادلانه توزیع و جلوگیری از استثمار برخی عوامل تولید به وسیله سایر عوامل و واسطه‌ها، حضور فعالی در عرصه اقتصاد خانواده داشته باشد (موسویان، ۱۳۸۲، ص ۵۸).

## ۳. برنامه‌ریزی برای اشتغال در جامعه و به نوبه خود، خانواده

وظیفه دولت فقط حفظ امنیت داخلی و پاسداری از حقوق مالکیت افراد



نیست، بلکه دولت همان طور که وسیله‌ای برای ارائه خدمت به مردم و رساندن حق به صاحبان آن است، مسئول تحقق پیشرفت و اشتغال در جامعه نیز شمرده می‌شود و این کار را با فراهم آوردن فرصت‌های دیگر و تأمین معیشت افراد از طریق تأسیس مؤسسات عمومی و راه‌اندازی پروژه‌های صنعتی و کشاورزی انجام می‌دهد؛ پروژه‌هایی که به افزایش ثروت عمومی کمک کرده، افراد جامعه را درسود آنها شرکت می‌دهد. بنابراین، دولت اسلامی موظف است با آسان کردن راه‌های سرمایه‌گذاری، اعطای کمک‌های مالی و تسهیلات اعتباری؛ کشاورزان، صنعتگران و بازرگانان را تشویق کند تا زمین‌ها، کشت و صنایع راه‌اندازی شوند و بازارها رونق یابند تا جامعه و خانواده در آسایش مالی و اقتصادی بسربرند (همان، ص ۶۴).

#### ۴. تأمین اجتماعی خانواده

یکی از مسئولیت‌هایی که اسلام بر عهده همه مسلمانان، به ویژه دولت گذاشته، تأمین نیازهای ضروری افراد جامعه و خانواده است که به علل گوناگون، یا درآمدی ندارند یا درآمدشان برای تأمین زندگی کافی نیست. البته مسئله تأمین نیازهای ضروری این گروه، به دولت اختصاص ندارد، بلکه همه مسلمانان در این مهم مسئولند (همان، ص ۶۵ و ۶۶).

#### ۵. توازن اقتصادی جامعه و خانواده

با توجه به پایبندی اسلام به مسئله برابری و برادری انسان‌ها، نابرابری‌های فاحش درآمد و ثروت با روح اسلام ناسازگار است. اختلاف شدید طبقاتی، نه تنها



حس برادری را میان مسلمانان تقویت نمی‌کند، بلکه مخزب آن به شمار می‌آید. از سوی دیگر، مطابق آیات قرآن، همه انسان‌ها در جایگاه جانشین خدا، حق بهره‌مندی از نعمت‌ها را دارند. بنابراین، تمرکز امکانات در دست گروهی اقلیت و محرومیت اکثریت مردم، نه با آموزه‌های اخلاقی اسلام سازگار است و نه با شأن جانشینی انسان تناسب دارد. دولت اسلامی، مسئول است با اجرای دستورهای اسلام درباره مالکیت منابع طبیعی و مواد اولیه و مواظبت به راه‌های حلال و حرام کسب درآمد، کنترل صحیح و منطقی بر سهم عوامل تولید، که از درآمد و مدیریت کارآمد توزیع مجدد ثروت و درآمد، جلوگیری فاحش درآمدها و ثروت‌ها را گرفته، جامعه و خانواده را به سمت عدالت و توازن اقتصادی سوق دهد (همان، ص ۶۶).

#### ۶. تصدّی فعالیت‌های اقتصادی جامعه و خانواده

یکی از مباحث مهم و کلیدی در بحث دولت، اندازه دولت و حضور مستقیم آن، در عرصه فعالیت‌های اقتصادی است. دولت اسلامی، می‌تواند با استفاده از منابع مالی عظیمی که در اختیار دارد، به‌طور مستقیم به فعالیت‌های گسترده‌ای دست بزند. همچنین، با توجه به اختیاراتی که شرع برای دولت قائل شده، می‌تواند در اوضاع خاص (مصلحت نظام) فعالیت‌های بخش خصوصی را هم با اعمال محدودیت‌ها و کنترل‌ها، به شکل اقتصاد متمرکز اداره کند. پس می‌توان گفت: دولت در نظام اسلامی، نقش نظارت و فراهم آوردن زمینه فعالیت بخش خصوصی را به عهده دارد و خودش به شکل مستقیم، وارد سرمایه‌گذاری در بخش خاصی نمی‌شود، مگر اینکه مصالح اجتماعی اقتضای چنین رفتاری را داشته باشد (همان، ص ۶۸).

### نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت، نتایج زیر به دست می‌آید:

یکی از مباحث مهم و اساسی در هر مکتب و نظام اجتماعی، تبیین شاخصه مطلوب و اقتصاد مقاومتی دخالت دولت در خانواده از منظر فرهنگ و اقتصاد مقاومتی است.

خانواده، متشکل از افرادی است که از طریق پیوند زناشویی، هم‌خونی یا پذیرش فرزند، با یکدیگر به عنوان زن، مادر، پدر و شوهر، برادر، خواهر، فرزند در ارتباط متقابل هستند.

دولت در زبان عامه مردم، به معنای «هیئت دولت» یا «تشکیلات و اداره‌های دولتی» یا «کابینه» است. اما مفهوم دولت در علم سیاست و روابط بین‌الملل، دارای معنایی فراتر از این معناست. دولت، بزرگ‌ترین سازمان‌بندی گروه انسانی است. قدرت سیاسی در آن به جریان می‌افتد و عالی‌ترین تجلی قدرت نیز نام گرفته است.

در زمینه شاخصه مطلوب و اقتصاد مقاومتی دخالت دولت در خانواده از منظر فرهنگ و اقتصاد مقاومتی، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد: عده‌ای، موافق دخالت فرهنگ و اقتصاد مقاومتی، تربیتی و مذهبی دولت در خانواده و برخی، مخالف آن و تعدادی نیز خانواده‌محور و پاره‌ای، اعتقاد به اشتراک نقش دولت و خانواده در فرهنگ و اقتصاد مقاومتی، تربیت و مذهب هستند. جامع‌ترین آنها، دیدگاه اسلام است که اساس مخالفت یا موافقت با دخالت دولت در عرصه فرهنگ و اقتصاد مقاومتی و تربیت و مذهب، منوط به پذیرش و عدم پذیرش دین و تعالیم دینی است.



نمونه‌های تعامل خانواده و دولت در عرصه فرهنگ و اقتصاد مقاومتی و مذهب و دین عبارتند از:

الف: خانواده، سرمایه توان جامعه؛ ب: بازسازی مدل شیوه زندگی؛ ج: اقتداردهی به خانواده؛ د: حمایت دولت از پدران؛ ه: استحکام خاصیت‌های کارآمد قومی در پاسداری از حریم خانواده.

اسلام در حوزه ورود دولت در مسائل دنیوی و اقتصادی، به عدم جواز دخالت دولت حکم کرده است.

نمونه‌های تعامل اقتصادی دولت و خانواده عبارت‌اند از:

الف: استحکام شاخص‌های اقتصادی رشد درباره خانواده؛ ب: کمک به خانواده در نارسایی بازار؛ ج: برنامه‌ریزی برای اشتغال در جامعه و به نوبه خود، خانواده؛ د: تأمین اجتماعی خانواده؛ ه: توازن اقتصادی جامعه و خانواده؛ و: تصدّی فعالیت‌های اقتصادی جامعه و خانواده.





## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. استریناتی، دومینیک، (بی تا)، مقدمه‌ای بر نظریه‌های فرهنگ عامه، ترجمه ثریا پاک‌نظر، بی جا: نشر گام نو.
۳. امامی، محمد، (۱۳۸۵)، «بررسی نظارت بر بازار در آموزه‌های نبوی و علوی»، الهیات و حقوق، ش ۲۱ و ۲۲، صفحات ۱۷۱ تا ۱۹۲.
۴. انگلس، فریدریش، (۱۳۸۰)، منشأ خانواده، مالکیت خصوصی و دولت، مترجم خسرو پارسا، تهران، نشر جامی.
۵. جلالی، محمد و مهدوی زاهد، مهدی، (۱۳۹۶)، «نسبت تحولات نهاد خانواده با نظریه دولت در ایران معاصر»، راهبرد، شماره ۸۲، ص ۷۹-۹۸.
۶. جمالی، حسین، (۱۹۹۲)، تاریخ و اصول روابط بین الملل، تهران: نشر نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
۷. جهانیان، ناصر، (۱۳۸۹)، «معیارهای دخالت دولت اسلامی در اقتصاد»، حکومت اسلامی، ش ۵۸، صفحات ۷۹-۱۰۸.
۸. چیل، دیوید، (۱۳۸۸)، خانواده‌ها در دنیای امروز، ترجمه محمد مهدی لیبی، تهران: شرکت نشر نقد افکار.
۹. خندان، علی اصغر و امیری طیبی، مسلم، (۱۳۸۸)، درآمدی بر نقش فرهنگ و اقتصاد مقاومتی دولت دینی، معرفت سیاسی، سال اول، شماره اول، صفحات ۱۲۹-۱۵۵.
۱۰. دانایی فرد، حسن و جوان علی آذر، مرتضی، (۱۳۹۳)، «بررسی تطبیقی خرد مایه وجود دولت از نگاه نظریه‌های غربی و منابع اسلامی»، مدیریت اسلامی، سال ۲۲، شماره ۱، صفحات ۴۱-۷۴.



۱۱. رئوف، هبه، (۱۳۷۷)، مشارکت سیاسی زن دیدگاهی اسلامی، ترجمه محسن آرمین، تهران، نشر قطره.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (بی تا)، مفردات الفاظ القرآن، مصحح داوودی، صفوان عدنان، بیروت: دار.
۱۳. رحمت الهی، حسین، (۱۹۹۱)، تحول قدرت، بی جا: نشر میزان.
۱۴. رضایی، مجید، (۱۳۸۳)، «جایگاه نهاد دولت در عرضه اقتصاد»، اقتصاد اسلامی، ش ۱۴، صفحات ۳۷-۶۲.
۱۵. رفیعی آتانی، عطاءالله، (۱۳۸۶)، «جایگاه دولت در نظام اقتصادی اسلام (دولت مصالح)»، اقتصاد اسلامی، ش ۲۸، صفحات ۳۷-۵۹.
۱۶. سالاری فرو، محمدرضا، (۱۳۹۱)، درآمدی بر نظام خانواده در اسلام، تهران، نشر هاجر.
۱۷. سگالن، مارتین، (۱۳۷۰)، جامعه شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، تهران، نشر مرکز.
۱۸. طباطبائی، محمدحسین، (۱۳۷۳)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، مطبوعات اسماعیلیان.
۱۹. عالم، عبدالرحمن، (۱۹۹۲)، بنیادهای علم سیاست، بی جا، نشر نی.
۲۰. علم الهدی، جمیله، (۱۳۸۸)، «مناسبات تربیتی خانواده و دولت»، مجله خانواده پژوهی، دانشگاه شهید بهشتی تهران، دوره ۵، شماره ۱، ص ۹۳-۱۱۹.
۲۱. قمی، عباس، (بی تا)، سفینه البحار و مدینه الحکم والآثار، قم، اسوه.
۲۲. فنادان، منصور، (۱۳۷۵)، جامعه شناسی مفاهیم کلیدی، تهران، آوای نور.
۲۳. کبیرمدنی، سیدعلی خان بن محمد، (۱۴۰۹ق.و)، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، تحقیق و تصحیح محسن حسینی امینی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۲۴. کدخدایی، حمیده، (۱۳۹۵)، عوامل استحکام خانواده در قرآن و روایات، سپاهان شهر، حوزه علمیه حضرت حکیمه
۲۵. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳)، بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۶. محسنی، علی و دیگران، (۱۳۹۳)، «بررسی و تبیین جایگاه دولت در عرصه فرهنگ و اقتصاد مقاومتی جامعه از نگاه اسلام و لیبرالیسم»، راهبرد، سال بیست و سوم، شماره ۷۲، صفحات ۷-۳۴.
۲۷. مسلم، أبوالحسین مسلم بن الحجاج بن مسلم القشیری النیسابوری، (بی تا)، صحیح (الجامع الصحیح)، بیروت، دار الأفاق.
۲۸. موسویان، سیدعباس، (۱۳۸۲)، «جایگاه دولت در اقتصاد از دیدگاه اسلام»، اقتصاد اسلامی، مقاله ۱۷، دوره ۳، شماره ۱۰، صفحات ۵۵-۷۹.
۲۹. وینسنت، اندرو، (۱۹۹۱)، نظریه های دولت، مترجم حسین بشیریه، بی جا، نشر نی.

